

میراث ماندگار استاد آزاد بخواجه



رضا طلا بیگی: معلمان بزرگی در سیرجان ظهور کردند که تالیفات گران بهایی خلق نمودند. دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی، دکتر طاهره صفارزاده، علی اکبر وثوقی رهبری، علی اکبر بختیاری، علی مسعودی، محمدعلی آزاد بخواجه، مهتری موید محسنی، منصور عزیز، سعیدی، محمدحسین کوچکی، و ... که با آثار ارزشمندشان به غنای فرهنگی سیرجان افزودند. استاد آزاد بخواجه متولد ۱۳۲۳ در روستای دولت آباد قهستان سیرجان با نوشتن کتابهای پرستوهای دره پیچاب در سال ۱۳۵۲ و در سالهای ۵۳ تا ۵۸ کتابهای دوستان جنگل شاد، افسانه نامی و کلمی، تیر مشهدی باقر، قصه‌های گرگ و میش، قصه جنگل، بچه بیدارند و مرا دو (کتاب برگزیده سال ایران) کوتوله ای در تنگ سال ۱۳۸۱ و قصه‌هایی از تاریخ بیهقی سال ۱۳۹۲ نقش بسزایی در تاریخ ادبیات کودکان و نوجوانان ایفا نمود.

وی در کنار صمد بهرنگی، اسدالله شعبانی، مصطفی رحماندوست، مهدی آذر یزدی، هوشنگ مرادی کرمانی، افسانه شعبانزاد و ... قرار گرفت. کتاب دوبیتی‌های بومی سربان ایران (زندگینامه و آثار) تالیف محمد احمد پناهی ناشر سروش، محمدعلی آزاد بخواجه را به عنوان یکی از بومی سربان ایران معرفی میکند که سروده‌هایش بیشتر پیرامون مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی مطرح در زندگی عشاری و کوچ نشینان است. استاد آزادی به مانند پرویز شاپور شیوه نوشتن کاریکلماتور را در پیش گرفت کاری کرد کارستان، مضامین اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، روانشناسی و جامعه شناسی را به شکلی بسیار هنرمندانه، خلاقانه و به اختصار عرضه کرد.

ابتدا در نشریه آریزان و سپس نشریه‌های محلی سیرجان به چاپ رساند. استاد هوشنگ مرادی کرمانی پیوند عجیبی بین هنر نویسندگی و سینما زد. محمدعلی آزاد بخواجه بین علم جغرافیا و هنر نویسندگی پل ارتباطی برقرار ساخت استاد آزاد بخواجه نمونه بارز یک معلم دلسوز، مهربان دوست، پژوهشگر و محقق توانمند بود.

حسام الدین اساملو

همین چند سال پیش بود که برای گرفتن یک مصاحبه راهی خانه‌اش شدم. در مهمانخانه‌اش کنار آن سماور زرد فلزی نستیم تا استاد از خاطراتش بگوید.

قصه زندگی محمدعلی که درد می‌کرد. جمله‌ای برگرفته از همان کاریکلماتورهایش که ایهام هم داشت. هم از دردمندی ایشان نسبت به مسایل و مشکلات جامعه برمی‌آمد و انسانیت‌شان در خوردم غم هم‌نوعان و هم اینکه در گویش محلی قهستان گاهی به جای «تشریف بیاورید سر سفره غذا نوش جان کنید» می‌گویند: «بیا درد کن» (اصطلاحی برگرفته از درد بخوری) فرقی در همان بفرمایید و بتمرگید است. آزادی‌خواه هم زندگی را درد کرده بود. می‌گفت چطور وبا به کل روستای فریدون زده و همه را از بین برده و تنها کسی که برای خرید و فروش به فریدون رفته و اوضاع را دیده، صدای دختر بچه‌ای را شنیده که در میان انبوه جنازه‌ها زنده مانده بوده است.

مرد این دختر فریدونی را با خود به دهنو می‌آورد و دختر بزرگ می‌شود و ازدواج می‌کند و می‌شود مادر محمدعلی آزاد بخواجه.

درس خواندنش را مدیون مادرش می‌دانست که

منصور عزیزی: درگذشت استاد فقید محمد علی آزاد بخواجه در غروب یکشنبه ۲۱ اسفند ضایعه بزرگی برای مردم سیرجان و دوستان اهل ذوق و فرهنگ و هنر شهر بود. اما این استاد همواره با ایثار و اندیشه‌هایش در تاریخ سیرجان زنده است یکی از نادر دوستان دوران خدمت در آموزش و پرورش سیرجان بود که در دبیرستان فاطمیه با هم همکاری شدیم و فرصتی دست داد که مبادله فکری و دوستی و رفاقت ما سخت به هم پیوند بخورد. در واقع استاد با صداقت کلام و اندیشه‌اش چنان در دلم رخنه کرد که همیشه دلم میخواست با او گپی بزنم و در

واقع او خوب مرا می‌دانست و من از او در نوشتن به آشنایی با زیر و بم‌های ادبیات داستانی و معلوماتش بهره بردم که فکر می‌کنم درختی پر ثمرتر از او با میوه‌های شیرین کلامش که کام مرا شیرین کند نیافتم. اگر بخوایم استاد را با معرفت کلام و شخصیت بالایش بسنجیم سخن و پیام این شعر سعدی بود که همواره می‌گفت: درخت دوستی نشان که کام دل بیبار آرد نهال دشمنی برکن که رنج بیشمار آرد فلسفه انسان مداری و آدمیت بود وقتی برای نگارش کتاب سیرجان از او دعوت کردم او در گفتگو نستیم همه ریز و درشت‌های زندگی

یادبودی در سوگ استاد آزاد بخواجه

اش را صادقانه در اختیارم گذاشت از اینکه با تلاش و همت با فقر و نداری مبارزه کرده و با حمایت مادرش که دلش میخواست روزی پسرش به مدرسه برود و معلم شود تا چون درختی پر ثمر همه از میوه او بهره‌مند شوند و اینکه مادرش برای مدرسه رفتنش چقدر زحمت و ستم کشیده و عاقبت آرزو به دل از این جهان رفته است حالا برای ارج نهادن بر چنین مادر وصیت کرده او را در کنارش دفن کند. آینه صداقت استاد را در یک چشم انداز و معرفت واقعی باید دید و

که هم معلومات کافی و هم لازم داشت و

اگر مقاومت‌های او نبود، می‌بایست برود کهکینسی. چنانکه برادرش را به کهکینسی همراه پدر کردند و در فروکش یک چاه قنات از دست رفت.

با هم بر سر قبر مادر و برادرش رفتیم. آزاد بخواجه خود را فرزند کهکین‌ها می‌دانست و می‌گفت با داستان مراده خواسته به آن‌ها ادای دین کند.

او که با حمایت‌های مادر از قهستان راهی سیرجان شده بود تا در دبیرستان شهر ادامه تحصیل بدهد، در اتاقکی کوچک و اجاره‌ای سر کرده بود و برای رسیدن مادر به آرزوی تحصیل کردن فرزندش، به کم قناعت کرده و طعم فقر را چشیده بود.

از زورگویی برخی خوانین در قهستان قدیم دل خوشی نداشت و مدام به از خود بیایی بی‌جای خان‌ها و بستگان‌شان طعنه می‌زد.

او از محیط پر تبعیض جامعه دلخوشی نداشت و برای همین به کتاب و نوشتن پناه آورده بود.

استاد ثابت کرد که می‌شود بی‌ادعا در یک شهر کوچک در حاشیه کویر ایران هم زیست و بر جریان ادبیات کشور تاثیر خود را گذاشت، بی‌آنکه لازم شود مرکز نشین شوی تا بخواهی به جایی وصل گردی و سفارش بشوی. او که زمانی پرستوهای دره پیچاب را نوشته بود و غضب ساواک را دیده بود، این‌آخری‌ها روی باز نویسی تاریخ بیهقی برای نوجوانان کار کرده بود زیرا خوب می‌دانست فرهنگ دیرپاست و نه یک

یادنامه‌ی نویسنده‌ی توانا و بنام

کوهی به علت سن



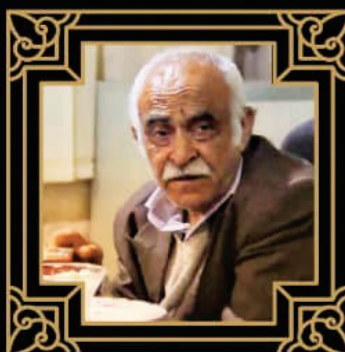
آزاد بخواجه «گنج زری بود در این خاکدان/ کو دو جهان را به جویی می‌شمرد» واقعا هم به جویی می‌شمرد و



همه بیان توانایی در تفهیم مطالب به دانش آموزان دو ملاکی که اصل معلمی است، را داشت.

دوم اینکه او انسانی الگو و خود ساخته در کوره سخت زندگی بود که با همه سختیها و مشکلات و نداری و بیناهی تیمی در برابر آنها سخت سر خم کرده و آرزوی دیرینه مادرش را که می‌خواست پسرش معلوم شود برآورده کرده چرا که از نامش پیداست مردی بود آزاد بخواجه آزاد اندیش و آزادم. سومین ملاک اساسی این بود که او نویسنده توانا با قلمی روان و شیوا و بدون از تکلیف‌های پیچیده ادبی بود و ادبیات را

به خصوص ادبیات داستانی ایران را به خوبی میشناخت و کلمات و واژگان را با توجه به معنای کاربردی آنها خوب انتخاب میکرد و به کار میبرد در کنار همه اینها شخصی انسان گرا انساندوست با ویژگی‌های اخلاقی و به قول خودش آدم دیگری بود که میتوان گفت و بلندترین قله‌های رفیع انسانیت دست یافت و خود را نویسنده توانا با قلمی روان و شیوا و بدون از تکلیف‌های پیچیده ادبی بود و ادبیات را



إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

با نهایت تأسف و تأثر

ضایعه درگذشت استاد فرزانه نویسنده آگاه و فاضل مرحوم محمدعلی آزادی خواه را به همشهریان فهیم سیرجانی؛ اهالی رسانه؛ جامعه فرهنگی و ادبی استان و خانواده گرانقدر ایشان تسلیت عرض نموده و برای روح بلند آن فقید سعید رحمت و مغفرت و برای بازماندگان صبر و شکیبایی از درگاه خداوند متعال مسئلت دارم.

علی اکبر کریمی پور
شهردار سیرجان

www.sirjan.ir



آهن آلات دست دوم و انواع ضایعات
شما را با بالاترین قیمت در محل فریداریم.

۰۹۱۳ ۲۶۴۳ ۱۴۵ ۰۹۱۳ ۳۰۵۲/۰۹۱۳ ۲۷۸

۰۹۱۳ ۲۳۰ ۵۰۳۶ خدائی

بیت‌الرحمة الرحمة
جناب آقای
مهندس آزاد بخواجه
مدیر محترم پروژه
شرکت مهندسی کوشا معدن
بدینوسله فقدان اسفناک استاد فرهیخته
شادروان محمد علی آزاد بخواجه
را حضور جنابعالی تسلیت و تعزیت عرض نموده، از درگاه
ایزد متعال برای آن فقید سعید، رحمت الهی و برای عموم
بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت می نمایم.
شرکت معدنی و صنعتی کمرپوش گام

بیت‌الرحمة الرحمة
جامعه فرهنگیان سیرجان و
خانواده های محترم آزاد بخواجه
درگذشت استاد فرهیخته شادروان محمد علی آزاد بخواجه
خاتق اثر بی بدیل «مراود»
را حضور شما بزرگواران تسلیت و تعزیت عرض نموده، از
درگاه ایزد متعال برای آن فقید سعید، رحمت و مغفرت و
برای عموم بازماندگان صبر و بردباری مسئلت می نمایم.
مدیریت و کارکنان نشر سخن تازه

دعوت به همکاری
از یک نفر راننده
دارای گواهینامه پایه ۲
جهت کار بر روی
نیسان سایا یخچالی
بصورت دو شیفت
(حقوقی یا درصدی)
دعوت به عمل می آید.
۰۹۱۳ ۳۴۷ ۴۸۵۷

بیت‌الرحمة الرحمة
دوست گرامی؛
جناب آقای
حامد عباسلو
ضایعه درگذشت نایبگام برادر عزیزتان
مرحوم امیر حسین عباسلو
را حضور شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از
درگاه خداوند متعال برای آن عزیز از دست رفته، رحمت
الهی و برای جنابعالی صبر مسئلت می نمایم.
باتقدیر احترام؛ گلزاری

جوشکاری سیار

فئس کنشی - تعمیر در و پنجره - سایه بان و...

۰۹۱۳ ۶۳۷۷ ۲۷۹ ۰۹۱۳ ۰۸۴۷ ۵۳۲